

## نقش زنان شیعه کاشان در گسترش علوم و هنرهای اسلامی (از صفویه تا عصر حاضر)<sup>۱</sup>

فاطمه سادات علوی علی‌آبادی<sup>۲</sup>

### چکیده

کاشان، مهد تمدن کهن بشری است و بعد از اسلام، جایگاه آن به قطب تمدن ایرانی - اسلامی ارتقا یافت. این شهر از سده‌های اول هجری، خاستگاه دانشمندان، فرهیختگان و هنرمندان شیعه در عرصه‌های گوناگون بوده است. بررسی نقش زنان شیعه کاشان در گسترش علوم و هنرهای اسلامی (از صفویه تا عصر حاضر)، مسأله اساسی این تحقیق است. (سؤال) به نظر می‌رسد بخش عظیمی از شهرت علمی و هنری کاشان، وامدار زنان علم دوست و هنرمند این منطقه است. (فرضیه) در این مقاله، در پی اثبات این ادعا هستیم که زنان شیعه کاشان، از مراجع تام «هنرهای اسلامی» و از پشتوانه‌های اصلی «علوم اسلامی» در ایران می‌باشند. (هدف) روش این پژوهش، تاریخی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. نویسنده برای دستیابی به پاسخ، برخی علوم و هنرهای منسوب به کاشان و جایگاه زنان کاشان در این برجستگی‌های علمی و هنری را مورد کنکاش قرارداد (روش) و دریافته است که با وجود افت و خیزهای سیاسی و اجتماعی که گاهی موجب محدودیت‌هایی در فعالیت‌های زنان گشته‌اند، بانوان شیعه کاشان، تلاش علمی و هنری را از وظایف خود و خانواده خود دانسته و در این راه، علاوه بر ارائه خدمات ارزشمند علمی و هنری، با خدمت متعهدانه و مخلصانه در عرصه مادری و همسری، نقش برجسته‌ای در تربیت دانشمندان و هنرمندان طراز اول جهان اسلام داشته و دارند. (یافته)

**واژگان کلیدی:** زنان شیعه، کاشان، علوم اسلامی، هنرهای اسلامی.

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲.

۲- استادیار جامعه المصطفی العالمیه. f\_alavi@miu.ac.ir

## مقدمه

خداوند متعال، زن و مرد را از یک نفس واحد آفریده و آیات قرآن و روایات معصومین تحصیل علم را برای زن و مرد، مورد تأیید و تشویق قرار داده‌اند. مردم کاشان از متقدمین تشیع در ایران بعد از اسلام هستند و کاشان خاستگاه علما و فضلی بزرگ و نامدار شیعه است که نام بسیاری از ایشان در کتب تاریخ و تراجم ثبت شده است. ویژگی این پژوهش دغدغه‌مندی نسبت به نقش زنان فاضل و هنرمند شیعه کاشان در علوم و هنرهای اسلامی (از صفویه تا عصر حاضر) است که تاکنون به صورت مستقل مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است. نوع تحقیق در این نوشتار، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (جستجو در تاریخ شفاهی کاشان و مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه) است. در همین راستا نویسنده از یک سو به معرفی و بازشناسی بانوان کاشانی تأثیرگذار در گسترش علوم اسلامی (از صفویه تا عصر حاضر) پرداخته و از سوی دیگر با توجه به لزوم معرفی و بازیابی هویت اسلامی در هنر ایرانی، نویسنده ضمن مذاقه در هویت ایرانی - اسلامی هنرهای سنتی کاشان بخصوص هنر قالی‌بافی، به معرفی بانوان هنرمند برجسته کاشانی - که هنر ایشان در جهت اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی است - اهتمام ورزیده است.

### جستاری در تاریخ تشیع و علوم و هنرهای اسلامی در کاشان

شهر کاشان در سال‌های ۲۳ و ۲۴ هجری، همزمان با قم و اصفهان به دست مسلمانان گشوده شد. ابن‌اعثم کوفی در شروع صف‌آرایی ایرانیان در جنگ نهاوند می‌نویسد: «از مجموع ۱۵۰۰۰۰ تن لشکریان اردوگاه ایران، بیست‌وپنج هزار نفر آنها از سربازان خطه کاشان و قم بوده‌اند. (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق: ج ۲/ ۱۵۸) این مطلب، گویای اهمیت و آبادی و جمعیت قابل توجه کاشان در اوایل دوره ساسانی است. از سوی دیگر مقاومت و ایستادگی مردم کاشان در برابر سپاهیان ابوموسی اشعری و پناه‌بردن یزدگرد - آخرین پادشاه ساسانی - به منطقه کاشان، گواه متقنی است بر اینکه در آن ایام، جامعه‌ای بزرگ و حکومتی نیرومند در نواحی کاشان مستقر بوده است.

سرداران فتوحات، در تقسیمات کشوری ممالک مفتوحه خود، قم و کاشان

را جزء توابع امیرنشین اصفهان قراردادند و این تقسیم‌بندی تا زمان خلافت هارون‌الرشید عباسی (۱۹۳-۱۷۰ق) ادامه داشت؛ در آن ایام قم از اصفهان مجزا شد (قمی، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۴) و روستاهای کوهستانی شمال غربی کاشان تا انتهای حدود شرقی آن، به قم ملحق گردید؛ به تصریح «تاریخ قم»، این منطقه حدود هفتاد و هفت دبه و آبادی بوده است؛ (قمی، ۱۳۸۵: ۱۷۷ و ۵۸۲) از قریه راوند تا انتهای حدود جنوب غربی و شرقی کاشان مانند گذشته تابع اصفهان باقی ماند.

شواهد و قرائن تاریخی، حاکی از حضور پویا و پر نشاط تشیع امامیه در کاشان، در قرون نخست هجری است. اولین قرینه آن است که در اکتشافات سال‌های اخیر در موضع قلعه ویگل، بقایای مسجدی نمایان شده است که محراب طلای آندر موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود و سازنده آن حسن بن علی بن احمد بن بابویه‌الویدگی بوده است و نمونه ساروجی این محراب در بقعه امامزاده فضل بن موسی‌الکاظم در شهر محلات، اثر همین هنرمند شیعه است که در چلیپای داخل و اطراف به نام مقدس خمسه طیبه اشاره کرده است؛ تاریخ ساخت محراب، به خط فارسی در قسمت زیر هلالی و چلیپا نوشته شده: «فی ایام امیرالمؤمنین رضی‌الله عنه سنه ثلاثین» و در قسمت زیر آن چلیپایی مربع شکل از اسماء-خمسه طیبه، شامل ۴ اسم محمد ﷺ و ۴ اسم علی ﷺ و ۴ اسم فاطمه (س) و ۴ اسم حسن ﷺ و ۴ اسم حسین ﷺ می‌باشد. (هاشمی‌تبار بیدگی، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۹) حضور این مسجد با نمادهای شیعی در ویگل، حاکی از پویایی تشیع در سده اول هجری در کاشان و مناطق اطراف آن است.

قرینه دوم تشیع کاشان در سده اول هجری، نسبت قاتل عمر بن خطاب - خلیفه دوم از خلفای راشدین - به شهر کاشان است. بنابه روایاتی که رسیدن به درستی آنها کمی دشوار است، ابولؤلؤ پس از کشتن عمر، به زادگاه خود در کاشان گریخت. اگر بپذیریم که مقبره منسوب به ابولؤلؤ در کاشان، متعلق به هرمزان - قاتل عمر بن خطاب - است؛ یا اینکه مردم کاشان علاقه‌مند بودند که چنین باشد؛ به هر حال تکریم و تعظیم ابولؤلؤ در منظر مردم کاشان و قدمت بی‌بدیل مقبره ابولؤلؤ - به عنوان اولین بنای یادبود برافراشته شده در ایران و در کاشان (رجبی، ۱۳۸۸: ۶۸) - بازتابی از تمایلات درون - شیعی مردم این ناحیه، از همان سده

نخست هجری است.

از قرائن دیگر حضور تشیع در سدهٔ اول هجری در کاشان، وجود کارگزاران شیعه و دوست‌دار اهل‌بیت علیهم‌السلام در این ناحیه است؛ به نوشتهٔ ابن‌اعثم کوفی: عمار یاسر که مدت کوتاهی کارگزار خلیفهٔ دوم (عمر بن الخطاب) در کوفه بود عروهب‌ن‌زید طائی را با عنوان کارگزار به ری و دیلم فرستاد و او پس از فتح مناطقی، در قم و کاشان مقیم شد؛ (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ج ۲/ ۳۰۴ و ۳۱۳؛ ابن‌حزم، ۱۴۰۳: ۴۰۴) به نقل بلاذیرد انساب‌الاشراف: مالک اشتر پس از اخراج سعید بن‌عاص اموی - کارگزار عثمان در کوفه - افرادی از جمله عروه بن زید طائی - از ارادتمندان و صحابی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یاور آن حضرت در نبرد صفین - (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۴/ ۴۰۴) را به مناطق یاد شده فرستاد. (البلاذری، ۱۴۱۷: ج ۵/ ۵۳۵) از سوی دیگر نام برخی راویان حدیث کاشانی، منسوب به سدهٔ اول هجری، در گزارشات تاریخی ثبت شده است: فردی به نام یزدویه بن‌ماهویه در جریان فتوحات، اسیر و سهم عبدالله بن‌عباس شد و عبدالله نامش را به وثاب تغییر داد. وثاب بعد از دو سال به کاشان بازگشت و فرزندش، یحیی در کوفه اقامت گزید و از پیشوایان علم قرائت گردید. (سمعانی، ۱۴۰۲: ج ۱۳/ ۲۸۴؛ ابو‌الشیخ، بی‌تا، ج ۱/ ۲۹۶ و ۳۳۳)

از شواهد تاریخی حضور تفکر شیعی در کاشاندر سدهٔ دوم هجری، آن است که مردم کاشان پس از رحلت امام سجاد علیه‌السلام، پیروی فرزند ارشد ایشان، امام محمدباقر علیه‌السلام را برگزیدند و از آن حضرت تقاضا نمودند نماینده‌ای از جانب خود برای رهبری و پیشوایی آنان به کاشان اعزام نماید.

از آن زمان به بعد کاشان میزبان امامزادگان و مهد پرورش فقیهان، حکیمان، عارفان، شاعران و هنرمندان نامور بوده است. از ویژگی‌های عالمان برخاسته از این دیار، جامعیت در علوم مختلف است؛ به عنوان نمونه، مرحوم فیض کاشانی یکی از شش نفری است که از عصر غیبت صغری تاکنون در فن حدیث تبحر داشته‌اند؛ مرحوم فیض در علوم عقلی و نقلی دارای مقام ممتاز و ویژه خود بوده و در همهٔ آنها آثار ماندگاری دارد. (عرب، ۱۳۹۰: ۳۵)

کاشان و مردمانش تا پایان دوره صفویه، مورد توجه سلاطین و وزراء ایشان بودند. اما در دورهٔ قاجار، به دلیل اختلافات داخلی عاملان حکومت در کاشان،

اشرار قوت گرفتند و سال‌ها بر مال و ناموس مردم کاشان تاختند؛ تا آن‌جا که محمد شاه قاجار شخصاً در رأس اردویی مفصل، برای قطع ریشه‌های فساد در کاشان، وارد این شهر شد و پنجاه تن از اشرار کاشان را به گرگان تبعید نمود. پس از مرگ محمد شاه قاجار، کاشان بار دیگر دستخوش زد و خوردهای داخلی و مقابله و مقاتله گردید. در زمان صدارت امیرکبیر، صنعتگران و هنرمندان کاشانی مورد حمایت و توجه واقع شدند؛ اما پس از عزل و قتل امیرکبیر در حمام فین کاشان، صنعتگران و هنرمندانی که مورد توجه او واقع شده بودند گرفتار شکنجه و عقوبت شدند و هزینه‌هایی که در اختیارشان قرار گرفته بود تا به هنر، صنعت و شغل خود رونق بخشند، به اضافه جریمه‌های گزاف، از آنها پس گرفته شد.

در دوران مشروطیت، پس از اتحاد مردم آزادی‌خواه و اخراج عمال حکومتی از کاشان، مدیرالسلطنه به عنوان حاکم کاشان، منصوب و روانه این شهر گردید؛ با ورود او به کاشان و فتنه‌انگیزی و آشوب‌گری او بر ضد مشروطه‌خواهان کاشان، دوره استبدادی تجدید شد؛ سرکردگان او برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، حتی از بریدن گوش و بینی آزادی‌خواهان نیز دریغ نمی‌کردند. (رک. خانی آرانی، ۱۳۹۰: ۳۴-۴۳) ادامه این ناامنی‌ها منجر به ظهور «نایبیان کاشان» در حدود دهه‌های ۱۲۸۰ و ۱۲۹۰ شمسی گردید. «نایبیان کاشان» گروهی از اشرار و غارتگران بودند که در اواخر دوره قاجاریه در حدود کاشان و مناطق پیرامون آن به غارت مردم بی‌پناه و دست‌درازی به نوامیس آنان پرداختند و حکومت مرکزی نیز از سرکوب آنان ناتوان بود.

شرایط سخت و ناگوار فوق‌الذکر که در فضای سیاسی - اجتماعی کاشان در سال‌های پس از دوره صفویه تا دوره پهلوی، موجب محدودیت حضور بانوان عفیف و نجیب کاشان در عرصه‌های مختلف علمی و عملی شده بود، در سال ۱۳۱۴ شمسی با ابلاغ قانون «کشف حجاب» توسط رضا شاه پهلوی، عملاً موجب خانه‌نشینی بانوان متعهد کاشانی گردید. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل کمبود نسبی تعداد بانوان عالم و هنرمند کاشان در قیاس با عالمان و هنرمندان مرد، تلاش جامعه مذهبی کاشان در حفظ نوامیس شیعیان کاشان و پرهیز از مطرح نمودن ایشان بوده است؛ هم‌چنین نگاه مردم‌محور در نگارش تاریخ کاشان، از دلایل دیگر تقلیل آمار زنان عالم و فرهیخته در کتب تاریخ کاشان است.

به هر حال بانوان کاشانی، در عرصهٔ تعلیم و تربیت، همسران و مادرانی شایسته برای خانواده‌های خود بوده‌اند؛ تا حدی که بزرگ‌ترین علما و فضیلابی قرون اخیر جهان تشیع، وامدار بانوان کاشانی (چه در نقش همسری و چه در نقش مادری) هستند که به عنوان نمونه می‌توان ملا احمد ایبوردی (و. بعد از ۹۳۰ق)، ملافتح‌الله شریف (و. ۹۸۸ق)، فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ق)، خاندان نراقی (نراقی اول و نراقی ثانی و...)، ملامحمد کاشانی معروف به «آخوند کاشی» (و. ۱۳۳۳ق)، آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریف کاشانی (و. ۱۳۴۰ق)، آیت‌الله ملا عبدالرسول مدنی (۱۲۸۰-۱۳۶۶ق)، خاندان یثربی، آیت‌الله سیدمحمد علوی کاشانی (و. ۱۳۶۲ق)، آیت‌الله رضوی کاشانی (۱۲۹۱-۱۳۸۵ق)، آیت‌الله غروی کاشانی (۱۳۱۳-۱۳۹۸ق) و... را نام برد. (رک. سلمانی آرانی، ۱۳۷۵: ۱۲۴-۱۸۵)

از سوی دیگر تحقیقات میدانی و بازخوانی تاریخ شفاهی کاشان، گواه حضور بانوان عالم و فاضل کاشانی در فعالیت‌های علمی و اجتماعی است. دکتر عباسعلی فراهتی، عضو هیأت علمیدانشگاه کاشان در مصاحبه با نویسنده مقاله، بانوانی از خاندان‌های علمی کاشان را معرفی نمود که در گسترش علوم و هنرهای اسلامی نقش عمده داشته‌اند. به نقل این پژوهشگر حوزه و دانشگاه، حاج ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق) هفت دختر و هشت پسر داشته است. پسران او همگی از علمای بزرگ کاشان بوده‌اند؛ دختر بزرگ ایشان نیز بانویی عالمه و فاضله بوده است (و. ۱۲۴۷ق) که در محضر پدر و همسرش، تلمذ می‌نموده است و ظاهراً به دلیل مراتب بالای علم و فضل این بانو، حاج ملا احمد نطنزی کاشانی (و. ۱۲۵۷ق) شخصاً درخواست ازدواج با او را داشته است؛ این زوج، صاحب چهار فرزند پسر شده‌اند و هر چهار فرزند ایشان از علمای زمان خود بوده‌اند و از آن میان دو تن از ایشان از چهره‌های ممتاز علمی قرون اخیر هستند: یکی مرحوم علامه میرزا ابوتراب نطنزی (۱۲۲۱-۱۲۶۲ق) و دیگری حاج ملا محمدحسین نطنزی (۱۲۳۵-۱۳۲۲ق) که هر دو در جامعیت علوم و فنون مختلف عقلی و نقلی از جمله فقه و اصول، فلسفه و حکمت اسلامی و ریاضیات، فوق‌العادگی داشته‌اند.

یکی از پسران علامه میرزا ابوتراب، حاج میرزامحمد بوده که نویسنده

کتاب المآثر و الآثار، ایشان را در شعب ادب و حفظ قصائد شعرای عرب، اعجوبه عصر دانسته است. (اعتماد السلطنه، بی تا: ۱۶۰) ایشان دختری عالم و عابد و فاضله داشته به نام حاجیه یغما خانم نطنزی که حافظ کل قرآن کریم و بسیاری از ادعیه بوده است و علوم اسلامی را نزد پدر تحصیل نموده است. وی هم‌چنین ملتزم به نماز شب و تلاوت دائمی قرآن در همه سال بوده است. حاجیه یغما خانم با حاج صدر العلماء نطنزی ازدواج کرد. علی‌رغم خفقان حاکم بر فضای سیاسی، اجتماعی دوران کشف حجاب رضاخانی، این بانوی فاضله در منزل خود کلاس درس و خطابه دایر نموده و به تدریس و تبلیغ علوم اسلامی مشغول بوده است. از ایشان دو فرزند عالم به جای مانده‌اند که یکی آیت‌الله میرزا هبه‌الله نطنزی (و. ۱۳۴۶ ش) و دیگری استاد محمد فراهتی (و. ۱۳۵۸ ش) می‌باشند. یکی از دختران مرحوم استاد محمد فراهتی، شمس‌الملوک فراهتی کاشانی (و. ۱۳۷۹ ش) است که از شعرای معاصر و متخلص به «شمس کاشانی» است؛

مجموعه‌ای از اشعار ایشان با نام آئینه شمس به چاپ رسیده است. (رک. فراهتی کاشانی، ۱۳۸۰) مادر دکتر عباسعلی فراهتی، انسیه خانم حجت‌زاده (غروی)، دختر آیت‌الله شیخ محمد غروی کاشانی و از بانوان عالم و فاضل خاندان نراقی است که دو سال بعد از پدر، به اتفاق بستگان به نجف عزیمت نمود و در آنجا به تحصیل علوم و معارف اسلامی در نزد پدر مشغول شد. پس از بازگشت آیت‌الله غروی به کاشان، به دلیل شرایط خاص سیاسی عصر رضاخانی، انسیه خانم در منزل با بهره‌گیری از محضر والد بزرگوار و استاد ملا محمدجعفر ادیب (عندلیب) به ادامه تحصیل پرداخت. ایشان علاوه بر علوم دینی، در حوزه ادبیات فارسی و اشعار شاعران پارسی بخصوص حافظ، بسیار مسلط بوده است. این بانوی فاضل، در مبارزات مرحوم غروی کاشانی با بهائیت و مبارزه با رژیم طاغوت، همراه و همیار پدر بوده است.

بانوی دیگر از خاندان نراقی، سیده فاطمه علویه، خواهر آیت‌الله حاج سیدمصطفی کاشانی (و. ۱۳۳۶ ق) و عمه آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی (و. ۱۳۴۰ ق) است. این بانوی شجاع و غیرتمند کاشانی، مادر شهید علی نراقی (از روحانیون مبارز و آزادی‌خواه علیه فتنه نایب‌بیا) است که در سال ۱۳۳۱ ق توسط عمال نایب حسین کاشی به شهادت رسید. سیده فاطمه علویه با مشاهده اوضاع نابسامان کاشان

و هتک حرمت نوامیس مردم از سوی نایبیان و بی‌تفاوتی عمال حکومت، قدم پیش گذارده و شخصاً به تهران رفته و جلو کاخ گلستان تحصن نمود؛ وقتی احمدشاه قصد رفتن به داخل کاخ را داشت، سیده فاطمه علویه روسری زنانه‌ای را به صورت احمد شاه پرتاب نمود. وقتی او رادستگیر کردند و شاه علت این کار سیده فاطمه را جویا شد او شاه را فاقد مردانگی و غیرت ایرانی دانست و نسبت به اوضاع ناامن و حضور شورشیان در شهر کاشان، به پادشاه اعتراض نمود؛ این حرکت انقلابی سیده فاطمه علویه باعث شد پادشاه با ارسال یگان ویژه به فرماندهی میرزا حسن خان وثوق‌الدوله، نایبیان کاشان را به طور کامل قلع و قمع نماید.

در ادامه به معرفی تعدادی از بانوان نامدار کاشاندر عرصه‌های مختلف علوم و هنرهای اسلامی (از صفویه تا عصر حاضر) می‌پردازیم که نام ایشان در کتب تراجم و تاریخ کاشان، ثبت شده است.

### زنان نامدار کاشان در علوم اسلامی

**زهره بنت ضیاء‌العرفاء** (و. ۱۰۷۱ق): زهرا خاتون (و. ۱۰۷۱ق) دختر ضیاء‌العرفاء رازی، مادر ملا محسن فیض کاشانی و بانویی عالمه، زاهده، عابده و شاعره بوده است. (کاشانی، ۱۴۰۷: ۱۲)

**زینب بنت شاه مرتضی‌بن‌شاه محمود:** ملامحسن فیض کاشانی، سه خواهر داشته است که از میان ایشان، «زینب، مشهور و مکنی به ام‌ابیها،» بانویی عالمه و شاعره بوده است. (کاشانی، ۱۴۰۷: ۱۴)

**صدریه:** زینب، فرزند ملاصدرای شیرازی از زنان عالم، متکلم، فیلسوف، عارف، زاهد و سخنور است که افتخار همسری ملامحسن فیض کاشانی را یافته است. زینب نزد برادرش میرزا ابراهیم، علم ودانش آموخت و در کنار پدر و همسرش به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرش دارای سه فرزند شد که همگی از علمای زمان خود بودند. (رجبی، ۱۳۷۴: ۱۴۲)

**ام‌الخیر کاشانی** (۱۰۳۷-۱۰۷۹ق): علیّه بانو، مشهور به ام‌الخیر، دختر ملامحسن فیض کاشانی (و. ۱۰۹۱ق) از زنان فاضل، شاعر و ادیب بوده است. این بانو از شاگردان پدر خویش و از اکابر فضلی خاندان خود بود. ولادت و وفات او در



شهر کاشان بوده است. (صدر حاج سیدجوادی ودیگران، ۱۳۶۸: ج ۲/ ۵۰۳) **امّ سلمه:** سکینه، مشهور به امّ سلمه، دختر ملامحسن فیض کاشانی، بانویی زاهده، عابده و حافظ قرآن کریم بوده است که تولد او رادر سال ۱۰۵۳ دانسته‌اند. (کاشانی، ۱۴۰۷: ۱۸)

**حمیده خاتون:** حمیده دختر نورالدین محمدبن شاه مرتضی ثانی ابن محمد مؤمن ابن شاه مرتضی اول است. وی بانویی عالمه، فاضله، شاعره و عارفه بود که در سال ۱۰۹۸ق رحلت نمود. (ناجی نصرآبادی و نقیبی، ۱۳۸۷: ۵۱) **فاطمه (ام سلمه) کاشانی** (۱۰۸۸-۱۱۱۴ق): فاطمه کاشانی، مشهور به ام سلمه، از زنان عالم، فاضل، محدث، ادیب و شاعر عصر خود بوده است. وی دختر شیخ محمد علم‌الهدی (و. ۱۱۱۲ق) و نوه ملا محسن فیض کاشانی (و. ۱۰۹۱ق) بود. این بانو مقدمات علوم اسلامی را نزد خواهرانش و فقه و اصول را از عموهای خود فرا گرفت و به تکمیل علوم نزد پدرش پرداخت. فاطمه از پدر و دو عمویش اجازه روایت داشت و از آنان روایت می‌کرد. وی در شهر کاشان رحلت نمود و در مقبره خانوادگی، کنار قبر پدرش، به خاک سپرده شد. (امین، ۱۴۱۰: ج ۳/ ۱۵۹)

**نجیبه خاتون** (و. ۱۱۷۴ق): بانویی عالم از فرزندان میرزا یونس، مکنی به ابوالقاسم و ملقب به معزالدین ابن جمال‌الدین اسحاق بن علم‌الهدی ابن صاحب‌الوافی (متولد ۱۱۰۸ق) بوده است. (کاشانی، ۱۴۰۷: ۴۴) **ساره خاتون کاشانی:** وی دختر عباسقلی خان سپهر کاشانی، ملقب به طلعت‌السلطنه از زنان فاضل بوده است. او عوامل ملامحسن را نزد پدر خود آموخت و سپس ترجمه و شرح عوامل جرجانی را به نام شرح عوامل‌المائه در ۲۶ محرم سال ۱۳۳۱ق نوشت. (عیسی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۷۱) این کتابدر کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. (<https://rasekhoon.net/mashahir>)

### زنان نامدار کاشان در هنرهای اسلامی

از دوران ظهور سلسله صفوی به عنوان اولین دولت حامی هنر قالی‌بافی و اولین حاکمانی (شاه طهماسب و شاه عباس) که در رشد و توسعه قالی‌بافی در اکثر مناطق ایران نظیر کاشان، اصفهان، کرمان، تبریز و... سعی و کوشش وافر

داشتند، هنر قالی‌بافی به عنوان یک عنصر و نماد فرهنگی و بیش از همه، به عنوان هنر ملی ایرانیان در جهان معرفی شد و قالی‌های دستباف تولید شده از کارگاه‌های همین عصر بود که راهی دربارهای امپراطوری‌های بزرگ آن زمان اروپا شد. (عزیزی پور، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۱۱) هم‌چنین از زمان صفوی، مفاهیم و مضامین دینی و مذهبی [شیعی] توسط همه سیستم‌ها و قالب‌ها، که یکی از آنها و در حقیقت مهم‌ترین آنها «هنر» بود در کشور تبلیغ و ترویج می‌شد. در این زمان انواع هنرها به ویژه هنر معماری، فلزکاری، قالی‌بافی و... همه در جهت رشد و معرفی آموزه‌ها، عناصر و شعائر دینی دوشادوش هم جلو می‌رفتند. در این میان، هنر قالی‌بافی به لحاظ برخورداری از شرایط مطلوب تولید و آفرینش، بیش از سایر هنرهای نامبرده توانست در زمینه رشد و ترویج آموزه‌های اسلامی و شیعی، گام بردارد. شمار قابل ملاحظه‌ای از فرش‌های باقی‌مانده از آن دوران که زینت‌بخش موزه‌های دنیا است از کارگاه‌های شهر کاشان بیرون آمده است که مهم‌ترین آنها فرش شیخ صفی و فرش چلسی است. هنر قالی‌بافی از صفویه به بعد، با بهره‌گیری از نمادها، مفاهیم و مضامین اسلامی و به ویژه جهان‌بینی مذهب تشیع نظیر تجلی بهشت و عناصر وابسته به آن (صحنه باغ و درختان، نقوش گیاهی و نباتی)، آموزه‌های دینی (آیات و احادیث قدسی و نبوی)، روایات تصویری (عیادت امام علی علیه السلام از بیمار، معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و...)، صحنه عاشورا، اذکار و ادعیه منسوب به شیعه در قالب کتیبه و نوشتار (دعای ناد علیاً، زیارت‌نامه عاشورا و...)، به خوبی نماینده هویت اسلامی است. (رک. افروغ و براتی، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۳۸)

حمله محمود و اشرف افغان در پایان دوره صفویه به کاشان، باعث قتل و غارت افراد و انهدام بعضی از آثار معماری و هنر این خطه که مدت‌ها پایتخت دوم صفویان بود گردید؛ اما پس از این دوره هفت ساله، با آمدن نادر شاه افشار به کاشان و فرار افغان‌ها، با تدبیر بزرگان شهر، کاشان آرامش خود را بازیافت و در طول حکومت ۱۴ ساله افشار توانست در حد ملایم و متوسط به تلاش‌های هنری خود ادامه دهد. دو زلزله وحشتناک و ویرانگر کاشان در دوران زندیان، بسیاری از آثار معماری و هنری باقی‌مانده را نیز از بین برد و سایر هنرها را بیش از پیش از رونق انداخت؛ اما به دستور کریم خان زند و با همت حاکم

توانمند و خیر کاشان عبدالرزاق‌خان، بازسازی مطلوب کاشان و تعمیر اساسی یا تجدید بنای ابنیه عمومی و حصار شهر صورت گرفت و علاوه بر آن تأسیسات و بناهای جدیدی نیز که اغلب آن‌ها باقی مانده است به همت او ساخته شد. دردوران قاجار، علی‌رغم فراز و نشیب‌ها، شهر کاشان از آرامش نسبی برخوردار بود و مورد عنایت شاهان قاجار واقع گردید که این امر باعث رونق مجدد هنر فرش، مسگری، نقاشی و... در کاشان گردید. (چیت‌سازیان، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰)

در اواخر قرن ۱۳ق به اهتمام بازرگانی به نام حاج ملاحسن معروف به محتشم، دوباره قالی‌بافی در کاشان رایج شد و قالی‌های این ناحیه در زمینه طرح و بافت و رنگ‌آمیزی به چنان درجه‌ای رسید که توانست با بافته‌های نفیس دوره صفوی برابری کند. (دادگر، ۱۳۸۰: ۴۲-۴۳) در این دوران، اولین قالیچه با پشم استرالیایی، توسط محتشم و همسرش بافته شد؛ (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۶۱) اغلب بافندگان قالی‌های کاشان، زنان بودند. (دانشگر، ۱۳۷۶: ۴۳۴)

### زنان نامدار کاشان در عرصه قالی‌بافی و ظریف‌دوزی

**فرخ افسری** (۱۲۷۴-۱۳۶۴ش): بانو فرخ افسری، معروف به «بی‌بی فرخ»، بافنده و مبتکر چیره دست هنر قالی‌بافی است. او را می‌توان «مادر قالی‌بافی معاصر کاشان» معرفی نمود! وی شیوه‌ای خاص در این هنر به کار گرفت؛ از ابتکاراتش یکی آن بود که بدون نقشه و از روی پوستر و تابلو به خلق آثار می‌پرداخت. از بدایع دیگر کار وی بافت نقش برجسته و تصویر افراد بر روی فرش بود. (شاطری، ۱۳۸۶: ۴۳)

**اکرم‌السادات صانعی کاشانی**: دختر «سیدرضاخان صانعی» هنرمند برجسته کاشان و همسر «میرزا نصرالله صانعی»، از طراحان و نقاشان معروف نقشه قالی می‌باشد. اکرم‌السادات از هنرمندان و قالی‌بافان چیره‌دست کاشان است که طرح و نقشه قالی‌های بافته شده او از طرح‌ها و نقشه‌های پدر و شوهرش بوده است. او به سال ۱۳۷۶ش در کاشان درگذشت. (شاطری، ۱۳۸۶: ۸۳)

**مهین‌دخت ایمانی**: از بانوان هنرمند قالی‌باف معاصر، بانو مهین‌دخت ایمانی، فرزند سیدعلی‌اکبر ایمانی است که از خویشان خاندان هنرمند صانعی و افسری است. وی همسر «نظام افسری» از طراحان و بافندگان برجسته‌ی معاصر قالی

می‌باشد. (سرمدی، ۱۳۸۰: ۵۲۵) او اولین زن ایرانی است که به کسب مدال طلای هنر فرشدر سطح بین‌المللی نائل آمده است. (<http://www.carpetour.net>)

**بی‌بی جان کاشانی** (نیمه دوم قرن سیزدهم ق): بی‌بی جان از هنرمندان سرآمد و بنام شهر کاشان در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری بوده است. وی در هنرهای زری‌دوزی، مرواریددوزی و گلابتون‌دوزی مهارت داشته است. از آثار هنری او، ضریح‌پوش مخمل مشکی کاشان است که در سال ۱۲۷۵ ق مروارید و گلابتون دوزی ممتاز و برجسته‌ای شد و توسط مهد علیا - مادر ناصرالدین شاه قاجار به آستان مقدس رضوی اهدا شد و در میان نقش و نگار کتیبه‌های آن نیز اشعاری در مدح و ثنای ائمه اطهار علیهم‌السلام با مروارید و گلابتون به خط نستعلیق زیبایی، دست‌دوزی شده است. (نراقی، ۱۳۸۲: ۲۶۲)

### زنان نامدار کاشان در عرصه شعر و خوشنویسی

**خدیجه کاشانی**: خدیجه دختر حاج محمدصادق کاشانی از مشاهیر عرفاء و فقراء، همسر میرزا نصرالله کاشی از زنان هنرمند و بافضیلت قرن سیزدهم و متخلص به «خدیجه» بوده است. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۴: ج ۳ / ۲۱۴۸-۲۱۵۰) از اشعار اوست:

ای جان به درآ از تن، بالاتر از امکان شو  
از موسی و از طورش تا چند سخن‌گویی  
از ما و منی بگذر، در هستی خود منگر  
چیزی که نمی‌گنجدر وهم بشر آن شو  
دل طور تجلی دان، رو موسی عمران شو  
رو بنده‌ی موری باش آنگاه سلیمان شو

**منور آرانی**: بانو «منور آرانی»، متخلص به «حیا» و دختر «وفایی کاشانی»؛ از شاعران و خوشنویسان عصر قاجاریه است که خط شکسته نستعلیق را به خوبی می‌نوشته است. وی مادر «نظام وفا» شاعر و نویسنده معروف معاصر است. اشعار او مشتمل بر هزار بیت است که به خط زیبای خود، آنها را نوشته است. (سرمدی، ۱۳۸۰: ۸۷۴) بانو منوردر سال ۱۳۲۵ ش درگذشت.

**رشحه کاشانی:** نامش بیگم، متخلص به «رشحه کاشانی»، دختر هاتف کاشانی است. او تنها زنی است در ایران که پدر، همسر، برادر، فرزند و خودش شاعر هستند. دیوانش سه هزار بیت شعر دارد. (مشیر سلیمی، ۱۳۳۵: ج ۱/ ۲۰۹-۲۱۵)

**سپیده کاشانی:** بانو سرور باکوجی، معروف به سپیده کاشانی در سال ۱۳۱۵ در کاشان در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. وی از دوران کودکی و با تعلیمات پدر با اشعار شاعرانی چون مولوی و سعدی و حافظ آشنا شد و از همان دوره علاقه و استعداد شاعری در وی شکوفا گردید. اخلاق او اسوه‌ای بود برای دیگران. کمتر کسی خنده‌ای بلند از او شنید و حجاب و آرامش روحی او همواره مثال‌زدنی بود. اغلب نزدیکان وی می‌گویند: «هرگز شعری نمی‌سرود، مگر این که قبل از آن نماز می‌خواند و نیایش می‌کرد و قرآن تلاوت می‌نمود». از جمله محسنات او، تلاوت بسیار قرآن بود. سپیده کاشانی به مفاهیم انقلاب اسلامی معتقد بود و همواره از ارزش‌های اسلامی و انقلاب دفاع می‌کرد. اولین مجموعه شعرش، پروانه‌های شب نام دارد که حاوی اشعار سال‌های ۴۷ تا ۵۲ است. عشق و علاقه‌ی او به امام خمینی چنان بود که وقتی امام در بستر بیماری افتاد او نیز ناخوش شد. وی به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل می‌رفت و در غرب و جنوب و آبادان و محله ذوالفقاریه و کودشیخ و هر کجا توفیق یارش بود در محفل رزمندگان حاضر می‌شد و برایشان شعر دفاع و مقاومت می‌خواند. سپیده کاشانی، شاعری با احساس و متعهد و توانمند و عضو شورای عالی شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. (عیسی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۷۱-۲۷۲) از سروده‌های اوست: (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲: ۳۸۰-۳۸۱)

بهار است و هنگام گل چیدن من

به خون گر کشی خاک من، دشمن من

تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی

کجا می‌توانی ز قلبم ربایی

مسلمانم و آرمانم شهادت

مپندار این شعله خاموش گردد

نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش

کنون رود خلق است دریای جوشان  
 من آزاده از خاک آزادگانم  
 جز از جام توحید هرگز ننوشم  
 بلند اخترم رهبرم از ره آمد  
 بجوشد گل اندر گل از گلشن من  
 جدا سازی ای خصم، سر از تن من  
 تو عشق میان من و میهن من  
 تجلی هستی است جان کندن من  
 که بعد از من افروزد از مدفن من  
 بتازد به نیرنگ تو، توسن من  
 همه خوشه‌ی خشم شد خرمن من  
 گل صبر می‌پرورد دامن من  
 زنی گر به تیغ ستم، گردن من  
 بهار است و هنگام گل‌چیدن من

این شعر، از جمله سروده‌های انقلابی سپیده کاشانی است که هنوز با گذشت حدود چهاردهه از پیروزی انقلاب اسلامی، در ذهن مردم کشورمان تداعی‌کننده ظلم‌های رژیم منفور پهلوی و مبارزه مردم انقلابی با دژخیمان طاغوت شاه است.

### نتیجه

در آنچه گذشت نقش زنان شیعه کاشان در گسترش علوم و هنرهای اسلامی (از صفویه تا عصر حاضر) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد در مقطعی از این دوره، به دلیل افت و خیزهای سیاسی در حاکمیت دولت‌های مرکزی و مقاومت مردم و علمای کاشان در مقابل سیاست‌های غیر اسلامی حاکمان وقت و شرایط غیر امنیتی فضای کاشان، زنان علم‌دوست و هنرمند کاشان بیشتر از آن‌که به عنوان صاحبان علم و فضیلت مطرح باشند به عنوان مادران و همسران آیات عظام و علمای اسلام مطرح شده‌اند و این امر باعث شده است علوم و هنرهای ایشان، مکتوم بماند. از سوی دیگر تاریخ کاشان را مردان نگاشته‌اند و آمار پایین زنان عالم و فاضل کاشانی (علی‌رغم وفور

خاندان‌های عالم و فاضل در سده‌های اخیر در کاشان، می‌تواند ناشی از این باشد که به دلیل نگاه مردسالارانه‌ی مؤلفان، زنان مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. به هر حال توجه و علاقه بانوان کاشان به علوم اسلامی و هنرهای اسلامی تا حدی است که علی‌رغم محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، نام تعدادی از زنان نامدار فاضل و هنرمند کاشان، در متون تاریخی ثبت شده و آثار علمی و هنری ایشان، زینت‌بخش محافل علمی و موزه‌های هنری جهان است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن اعثم کوفی، احمد بن اعثم، (۱۴۱۱ق)، الفتوح، ج ۲، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن حزم، (۱۴۰۳ق)، جمهره انساب العرب، تحقیق لجنه من العلماء، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابوالشیخ، عبدالله بن محمد، (بی-تا)، طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها، ج ۱، بیروت: مؤسسه الرساله.
۵. استادی، رضا، (۱۳۸۲)، شرح احوال و آثار ملامهدی نراقی و ملا احمد نراقی و خاندان ایشان، بی‌جا: کنگره بزرگداشت ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی.
۶. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (بی-تا)، المآثر و الآثار، تهران: کتابخانه سنایی.
۷. افروغ، محمد و براتی، بهاره، (۱۳۹۲)، عناصر و نمادهای هویت اسلامی در قالی ایرانی، مطالعات ملی، ش ۵۳، صص ۱۲۱-۱۴۲.
۸. امین، حسن، (۱۴۱۰ق)، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۹. آقابزرگ تهرانی، (۱۳۷۲)، طبقات اعلام الشیعه الکواکب المنتشره فی القرن الثانی بعد العشره، ج ۱، تحقیق علینقی منزوی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. البلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، انساب الاشراف، ج ۵، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، طبعه الاولى.
۱۱. تقی‌الدین کاشی، محمد بن علی، (۱۳۸۴)، خلاصه الاشعار و زبده الافکار (بخش کاشان)، تهران: میراث مکتوب.
۱۲. چیت‌سازیان، امیرحسین، (۱۳۸۸)، نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان، تهران: سروش.
۱۳. خانی آرانی، فاطمه، (۱۳۹۰)، کاشان مهد تمدن و هنر، کاشان: همگام با هستی.
۱۴. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، به کوشش محمددبیر سیاقی، چاپ چهارم، تهران، خیام.
۱۵. دادگر، لیل، (۱۳۸۰)، فرش ایران، تهران: نشر موزه ایران.
۱۶. دانشگر، احمد، (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع فرش، تهران: نشر یادواره اسدی.



۱۷. دینوری، احمد بن داوود، (۱۳۴۶)، اخبار الطوال، ترجمه صادق نشأت، تهران: بی-جا.
۱۸. دیوان بیگی، احمد، (۱۳۶۴)، حدیقه الشعراء: در شرح حال و آثار شاعران و عارفان و صوفیان و هنرمندان و دانشمندان دوره قاجاریه از سال ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ ق، ج ۳، تهران: زرین.
۱۹. راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی، (۱۳۷۴)، دیوان السید الامام ضیاء الدین ابی‌الرضا فضل‌الله الحسنی الراوندی القاسانی، تصحیح جلال‌الدین ارموی، تهران: مطبعه المجلس.
۲۰. رجبی، پرویز، (۱۳۸۸)، کاشان: نگین انگشتی تاریخ ایران، تهران: پژوهاک کیوان.
۲۱. رجبی، محمد حسن، (۱۳۷۴)، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تاملشروطه، تهران: سروش.
۲۲. سرمدی، عباس، (۱۳۸۰)، دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام: از مانی تا معاصرین کمال الملک، تهران: هیرمند.
۲۳. سلمانی آرانی، حبیب‌الله، (۱۳۷۵)، سیمای کاشان، قم: بشیر.
۲۴. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، (۱۴۰۲ ق)، الانساب، ج ۱۳، حیدرآباد: مطبعه مجلس.
۲۵. شاطری، علی اصغر، (۱۴۲۲ ق)، سفیران نور، کاشان: واحد فرهنگی هیئت شاهزاده علی اصغر.
۲۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، هنرمندان کاشان، کاشان: مرسل.
۲۷. شوشتری، نورالله، (۱۳۷۵)، مجالس المؤمنین، ج ۲ و ۱، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۲۸. صدر حاج سید جوادی و دیگران، (۱۳۶۸)، دایره المعارف تشیع، ج ۲، تهران: سازمان دایره‌المعارف تشیع.
۲۹. عاطفی، افشین، (۱۳۸۳)، بزرگان کاشان، ج ۲، قم: افق فردا.
۳۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، تذکره سلطان‌علی: دو رساله در زندگی و شهادت حضرت سلطان علی بن محمد باقر علیه السلام، تصحیح افشین عاطفی، قم: نسیم حیات/ تهران: دعوت.
۳۱. عبداللهی، حوریه، (۱۳۷۵)، تاریخچه صنعت قالی‌بافی کاشان دوره قاجار و معاصر تا ۱۳۷۵، قم: بوکتاب (سخن عشق).
۳۲. عرب، حسین، (۱۳۹۰)، گوهر فقاقت و فرزاندگی: سیری تحلیلی در اندیشه‌های کلامی، اصولی و فقهی مرحوم آیت‌الله‌العظمی مدنی کاشانی، کاشان: مرسل.
۳۳. عزیزی پور، امیرعباس، (۱۳۹۵)، تاریخ تشیع کاشان در دوره صفویه، کاشان: حسینیه آیت‌الله امامت کاشانی.
۳۴. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۸۲)، زنان نامی در تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی،

قم: دفتر نشر نوید اسلام.

۳۵. عیسی فر، احمد، (۱۳۸۷)، زنان نامدار شیعه، تهران، رایحه عترت.

۳۶. فراهتی کاشانی، شمس الملوک، (۱۳۸۰)، آینه شمس، قم: انوار الزهرا.

۳۷. قمی، حسن بن محمد، (۱۳۸۵)، تاریخ قم، ترجمه تاج الدین حسن قمی، تحقیق

محمدرضا انصاری قمی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی).

۳۸. کاشانی، حبیب الله، (۱۳۷۸)، لباب الألقاب فی القاب الأیاط، فيه معرفه احوال الرجال من علماء الشیعه، کاشان: چاپخانه مصطفوی.

۳۹. کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۴۰۷ق)، معادن الحکمه فی مکاتیب الائمة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۴۰. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم، (۱۲۴۱)، تاریخ کاشان، تهران: فرهنگ ایران زمین.

۴۱. مشیر سلیمی، علی اکبر، (۱۳۳۵)، زنان سخنور: از یک هزار سال پیش تا امروز ه به زبان پارسی سخن گفته اند، ج ۱، تهران: علمی.

۴۲. مقدسی، محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

۴۳. ناجی نصرآبادی، محسن و نقیبی، ابوالقاسم، (۱۳۸۷)، فیض نامه، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

۴۴. نراقی، حسن، (۱۳۸۲)، آثار تاریخی شهرستان های کاشان و نطنز، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۴۵. هاشمی تبار بیدگلی، سیدحسین، (۱۳۹۰)، نگینی بر انگشتر کویر، آران و بیدگل: یاران مهدی

۴۶. <http://www.carpetour.net> تاریخ درج خبر: ۱۳۸۶/۳/۲۲ ؛ تاریخ بازدید:

۱۳۹۶/۱۰/۲۹

<http://www.kashantimes.com>.۴۷

۴۸. <http://www.yjc.ir/fa/news>. تاریخ درج خبر: ۱۳۹۴/۱۱/۷ ؛ تاریخ بازدید: ۱۳۹۶/۱۱/۴

۴۹. <https://rasekhoon.net/mashahir> تاریخ بازدید: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹